

اهمیت رشد اقتصادی شرکای تجاری بر رشد اقتصادی : مورد کشورهای عضو اوپک

بهزاد سلمانی*

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه تبریز

مریم فتاحی

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

تجارت خارجی و ارتباط آن با رشد اقتصادی یکی از موضوعات بسیار بحث برانگیز است. طی سال‌های اخیر، ساز و کارهای مختلف تأثیرگذاری تجارت خارجی بر رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است که یکی از این ساز و کارها، تأثیر تجارت بر رشد از طریق تولید ناخالص داخلی و رشد آن در کشورهای شریک تجاری است.

در این مطالعه تأثیر رشد اقتصادی شرکای تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک طی دوره 2004-1960 با استفاده از روش داده‌های تابلویی نامتوازن بررسی شده است.

نتایج نشان می‌دهد که طی دوره مورد بررسی رشد اقتصادی شرکای تجاری، سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی و درجه باز بودن اقتصاد تأثیر مثبت و معنی‌دار و GDP اولیه، تورم و مخارج دولت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک داشته است. نتایج به دست آمده نسبت به افزودن سایر متغیرهای موثر بر رشد اقتصادی مثل تورم و مخارج دولتی و دوره‌های زمانی متفاوت حساس نیست و از استحکام برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: رشد اقتصادی، شرکای تجاری، تجارت خارجی و کشورهای عضو اوپک.

(b_salmani@tabrizu.ac.ir)

*) نویسنده مسئول:

تاریخ پذیرش: 1391/7/15

تاریخ دریافت: 1390/3/18

طبقه بندی JEL: F₄₃, F₁₅

The Importance of Trading Partners' Economic Growth on Economic Growth: the Case Study of OPEC Member Countries

Behzad Salmani

Associate Professor, Department of Economics, University of Tabriz

Maryam Fattahi

Ph.D student in Economics, Tarbiat Modares university

Abstract

Openness and its relation with economic growth is one of the controversial issues in economics. Recent years, various mechanisms of openness influencing on economic growth is considered. One of the mentioned mechanisms is the impact of openness on economic growth through economic growth in trading partners countries.

By Using an unbalanced panel data analysis, this study evaluates the impact of trading partners' economic growth on economic growth of the member countries of the Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC) for the period of 1960-2004.

The results indicate that there is statistically positive and significant effect of trading partners' economic growth, investment, human capital and openness on economic growth in OPEC member countries and there is negative effect among initial GDP, inflation, government expenditure and economic growth in OPEC member countries. The results are robust and are not sensitive where other determinants of economic growth were added to the model. This is also true in different samples.

Key words: Economic growth, Trading partners, Trade Openness, OPEC Member Countries

JEL: F₄₃, F₁₅

1. مقدمه

تبیین رابطه بین تجارت خارجی (باز بودن¹) و رشد اقتصادی در چند دهه اخیر مورد توجه

1- Openness

اقتصاددانان بوده است. سوال اصلی در این حوزه این است: تاثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی چیست؟ ادبیات موضوعی تجارت و رشد نشان می‌دهد که باز بودن (محدودیت‌های تجاری) تاثیر مثبت (منفی) بر رشد اقتصادی دارد. اگرچه برخی اقتصاددانان و سازمان‌های غیر دولتی بر این رابطه مثبت شک دارند.¹ تجارت خارجی از طریق کانال‌های مختلفی مثل انتقال فن‌آوری رشد اقتصادی کشور خودی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این چارچوب عملکرد کلان اقتصادی (به ویژه رشد اقتصادی) کشورهای شریک تجاری یکی از عوامل مهم تاثیرگذار به شمار می‌رود.

در این مطالعه، کشورهای عضو اوپک به دلیل مشابهت اقلام عمده صادرات و شرکای عمده تجاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بررسی ساختار تجارت خارجی کشورهای عضو اوپک نشان می‌دهد که سهم عمده‌ای از صادرات این کشورها به صادرات نفت اختصاص دارد. از طرف دیگر، واردات این کشورها به ارز حاصل از صادرات نفت وابستگی زیادی دارد، به طوری که با تغییر قیمت جهانی نفت، واردات این کشورها تحت تاثیر قرار گرفته و تولید و در نتیجه رشد اقتصادی آنها با نوسان روبرو می‌شود. بنابراین تحلیل زوایای گوناگون رابطه تجارت خارجی و رشد اقتصادی در کشورهای عضو اوپک اهمیت می‌یابد. همچنین با توجه به اینکه کشورهای عضو اوپک شرکای تجاری یکسانی دارند و بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی دوره مورد بررسی به طور متوسط بیش از 50 درصد صادرات کشورهای عضو اوپک به کشورهای آمریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، اسپانیا، هندوستان و هلند صورت گرفته است.² این راستا کشورهای شریک تجاری و چگونگی تعامل با آنها نقش مهمی در توسعه تجارت خارجی و در نتیجه رشد اقتصادی کشورهای اوپک ایفاء می‌کنند. بنابراین، برای ارزیابی سیاست تجاری و انتخاب شرکای تجاری کشورهای عضو اوپک لازم است، بررسی‌های لازم به عمل آید. در این چارچوب، بررسی رابطه رشد اقتصادی شرکای تجاری و رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک ضرورت و اهمیت می‌یابد. آگاهی از نتایج این پژوهش می‌تواند ارزیابی از آثار اقتصادی تعامل با کشورهای شریک

1- برای بررسی ادبیات موضوعی بازبودن و رشد نگاه کنید به (Baldwin (2003), Rodriguez and Rodrik (2001) و Rodriguez (2006).

2- برای مطالعه بیشتر به جدول (1) نگاه کنید.

تجاری را به دست دهد و به سیاست‌گذاران در انتخاب شرکای تجاری مناسب کمک کند. هدف این مقاله بررسی رابطه تجارت و رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک از یک دیدگاه جدید یعنی رشد اقتصادی شرکای تجاری است. متناظر با هدف تحقیق، فرضیه زیر مورد توجه قرار گرفته است: بین رشد اقتصادی شرکای تجاری و رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. سازمان‌دهی مقاله به شرح زیر است. پس از مقدمه، در بخش دوم ادبیات موضوعی شرکای تجاری و رشد اقتصادی و در بخش سوم ترکیب شرکای تجاری بررسی شده است. در بخش چهارم مدل مورد استفاده، داده‌های پژوهش و منبع آماری داده‌ها و در بخش پنجم برآورد مدل و تحلیل آن ارائه شده است. در بخش پایانی نیز جمع‌بندی و ملاحظات گزارش شده است.

2. مروری بر ادبیات موضوع

تا اواخر دهه 1980 بر رابطه صادرات و رشد اقتصادی تاکید می‌شد. رابطه مثبت صادرات و رشد اقتصادی، یافته اصلی بیشتر این مطالعات بود. از اواخر دهه 1980 این ادبیات موضوعی وارد مرحله جدیدی شد. پیشرفت‌های جدید در نظریات رشد و معرفی رویکرد رشد درون‌زا، انتشار داده‌های جدید سری زمانی قابل مقایسه بین‌المللی و استفاده از معیارهای مختلف برای نشان دادن باز بودن تجاری از دلایل مهم این تحول به شمار می‌روند.

نظریه رشد درون‌زا ساز و کارهای مختلفی برای نشان دادن تاثیر مثبت باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی ارائه داد.¹ دسترسی به پیشرفت‌های فنی شرکای تجاری از طریق تجارت به صورت سرریز فنی و انتقال بین‌المللی دانش²، دسترسی به بازارهای بزرگتر خارجی و بهره‌مندی از منافع صرفه به مقیاس³، واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در کشورهای در حال توسعه⁴ و اتخاذ

1- برای نمونه نگاه کنید به Edwards (1992) و Barro and Sala-i-Martin (2004).

2- برای مثال نگاه کنید به Grossman and Helpman (1991) و Barro and Sala-i-Martin (1997 and 2004).

3- برای نمونه نگاه کنید به Ades and Glaeser (1999).

4- برای بررسی تاثیر واردات کالاهای سرمایه‌ای بر رشد اقتصادی نگاه کنید به Lee (1995).

سیاست‌های نظام‌مند برای حفظ ثبات کلان اقتصادی و افزایش قدرت رقابت بنگاه‌های داخلی در بازارهای جهانی¹ از جمله این ساز و کارهاست. با این وجود کروگمن (1994)، رودریک (1995) و رودریگوئز و رودریک (2001) بر مبنای نظری تاثیر مثبت باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی شک دارند. آنها بر این باورند که مدل‌های نظری موجود نمی‌توانند تاثیر مثبت سیاست تجاری باز بر رشد اقتصادی سریع‌تر را نشان دهند.

از دهه 1990 مطالعات مختلفی در ادبیات موضوعی باز بودن تجاری و رشد اقتصادی انجام شده است.² یافته‌های ادواردز (1992 و 1998)، دلار³ (1992)، ساکس و وارنر⁴ (1995)⁵، هریسون (1996)، فرانکل و رومر⁶ (1999)، واژیروگ⁷ (2001) و سالای‌مارتین و همکاران⁸ (2004) نشانگر رابطه مثبت سیاست تجاری و رشد اقتصادی است. این در حالی است که هریسون و هانسون⁹ (1999) و رودریگوئز و رودریک (2001) این یافته را به چالش کشیدند. مطالعات نتایج دیگری را نیز دربرداشت. برای نمونه گرین اوی و همکاران¹⁰ (2002) نشان دادند آزاد سازی تجاری ابتدا تاثیر منفی و سپس تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. وام‌واکیدیس¹¹ (2002) نشان داد رابطه مثبت باز بودن و رشد اقتصادی صرفاً برای دوره پس از 1970 مشاهده می‌شود. یانیک کایا¹² (2003) نشان داد که محدودیت‌های تجاری با رشد اقتصادی (به ویژه در کشورهای در حال توسعه) رابطه مثبت دارند. با وجود مطالعات تجربی فراوان کماکان درباره تاثیر باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی اختلاف نظر وجود دارد.¹³

1- برای بررسی تاثیر عوامل کلان اقتصادی بر رشد اقتصادی نگاه کنید به Fischer (1993)

2- برای بررسی ادبیات موضوعی قبل از دهه 1990 نگاه کنید به Edwards (1993) و Krueger (1997).

3- Dollar

4- Sachs and Warner

5- Harrison, A.

6- Frankel and Romer

7- Wacziarg

8- Sala-i-Martin, et al.

9- Harrison and Hanson

10- Greenaway, Morgan, and Wright

11- Vamvakidis

12- Yanikkaya

13- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به Baldwin (2003)، Rodriguez (2006) و Salmani and Yavari (2004)

پژوهشگران ساز و کارهای مختلفی برای بررسی تاثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی را مورد توجه قرار داده‌اند. در یکی از آنها شرایط اقتصادی کشورهای شریک تجاری یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصادی بلندمدت انگاشته می‌شود. شرایط اقتصادی خارجی از راه‌های متفاوتی رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. آشکارترین طریق پیوندهای تجاری است، به طوری که افزایش رشد شرکای تجاری به افزایش تقاضای واردات آنها و افزایش خالص صادرات کشور خودی می‌انجامد. هم‌چنین کشورها از انتقال فناوری و سایر منافع کارایی تجارت بین‌الملل بهره‌مند می‌شوند.¹ سرمایه‌گذاری خارجی ساز و کار دیگر تاثیر شرایط اقتصادی خارجی بر رشد اقتصادی است، به طوری که ممکن است افزایش سرمایه‌گذاری خارجی اثر سرریز خود را به صورت پیوندهای مالی² نشان دهد.³

کلمنس و ویلیامسون⁴ (2004) اولین تلاش برای بررسی تاثیر رشد اقتصادی شرکای تجاری بر رشد اقتصادی به شمار می‌رود. با این وجود آنها موفق به ارائه رابطه معنی‌دار بین رشد اقتصادی شرکای تجاری و رشد اقتصادی برای دوره 1869 تا 1999 نشدند. آرورا و وام واکیدیس⁵ (2005) (ب) و ارلوا⁶ (2005) برای گروهی از کشورها نشان دادند که رشد اقتصادی شرکای تجاری بر رشد اقتصادی داخلی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

آرورا و وام واکیدیس (2004) نشان دادند رشد اقتصادی آمریکا (یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری بسیاری از کشورها) اثر معنی‌داری بر رشد اقتصادی بقیه جهان دارد. برومنت و کلینک⁷ (2004) نشان دادند که یک تکانه مثبت در اقتصاد خارجی، تولید ترکیه را افزایش می‌دهد. آرورا و وام واکیدیس⁸ (2005) (ج) طی دوره زمانی 1960-1990 نشان دادند که رشد اقتصادی آفریقای جنوبی اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی 47 کشور آفریقای دارد.

1- برای نمونه نگاه کنید به (Coe and Helpman (1995)

2- financial linkages

3- برای بررسی بیشتر نگاه کنید به (Arora & Vamvakidis (2005a)

4- Clemens and Williamson

5- Arora & Vamvakidis

6- Orlova

7- Berument and Kilinc

8- Arora and Vamvakidis

برومن و همکاران¹ (2006) اثر عملکرد اقتصادی ژاپن بر اندونزی در دوره زمانی 1998-2004 بررسی و نشان دادند که افزایش رشد اقتصادی ژاپن، باعث افزایش رشد اقتصادی اندونزی شده است. اوبورا² (2009) نشان داد که اثرات سرریزی معنی داری از آمریکا و سایر شرکای عمده تجاری به نیجریه وجود دارد. آرورا و وام واکیدیس (2011) تاثیر کوتاه مدت و بلندمدت رشد اقتصادی چین بر بقیه دنیا را بررسی کردند. آنها نشان دادند آثار سرریز رشد اقتصادی چین بر بقیه کشورهای دنیا طی چند دهه گذشته افزایش یافته است.

بیشتر مطالعات تجربی داخلی وجود رابطه مثبت بین تجارت خارجی و رشد اقتصادی ایران را گزارش کرده اند³. کمیجانی و شاه آبادی (1380) نشان دادند که انباشت سرمایه R&D شرکای تجاری، انباشت سرمایه R&D داخلی و تجارت آزادتر با شرکای تجاری توسعه یافته دارای فعالیت های بالای R&D از عمده ترین موارد افزایش بهره وری کل عوامل است. گرجی و علیپوریان (1385) به رابطه مثبت بین تجارت خارجی و رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک دست یافتند. سلمانی و فتاحی (1387) تاثیر مثبت رشد اقتصادی شرکای تجاری بر رشد اقتصادی ایران در دوره زمانی 1338-1384 را گزارش کردند.

3. ترکیب شرکای تجاری کشورهای عضو اوپک

کشورهای عضو اوپک از جوه مشترک اقتصادی بالایی برخوردارند. برای مثال می توان به وابستگی زیاد اقتصاد این کشورها به نفت، قرار گرفتن آنها در گروه کشورهای تک محصولی، سهم بالای صنایع نفت و گاز از GDP، سهم اندک بخش کشاورزی از GDP و هم چنین مشابهت اقلام عمده صادرات و شرکای عمده تجاری اشاره کرد. در جدول (1) ترکیب شرکای تجاری کشورهای عضو اوپک (میانگین سهم هر یک از کشورها از صادرات کشورهای عضو اوپک) برای دوره زمانی 1960-2005 نشان داده شده است.

1- Berument, et al.

2- Obiora

3- برای نمونه نگاه کنید به Babazadeh and et.al(2007)

جدول (1): ترکیب شرکای تجاری کشورهای عضو اوپک برای دوره 1960 تا 2005

کشور	ایران	عراق	کویت	عربستان	ونزوئلا	قطر	اندونزی	لیبی	امارات متحده عربی	الجزایر	نیجریه
آمریکا	4/11	32/67	8/45	12/87	42/41	2/70	17/77	8/94	4/81	18/20	29/27
آلمان	3/89	3/72	0/77	2/36	1/95	0/60	3/53	17/08	3/05	7/94	6/45
انگلستان	7/16	5/10	4/58	3/46	2/95	1/69	2/35	7/55	2/58	2/64	14/96
فرانسه	3/74	10/58	3/16	5/86	1/00	4/80	0/75	6/36	5/64	25/70	8/23
ایتالیا	6/81	8/56	5/26	6/22	1/64	3/45	1/03	29/05	2/51	13/64	4/40
ژاپن	17/4	3/4	20/21	18/98	1/43	41/19	32/89	0/59	33/12	0/81	1/97
اسپانیا	3/73	3/41	1/19	3/18	1/24	1/79	0/80	7/35	2/45	5/81	5/23
هند	3/04	3/15	6/02	1/94	0/06	1/74	0/79	0/11	3/43	0/09	2/60
هلند	3/08	5/42	7/68	5/06	2/22	5/97	3/88	3/59	3/08	6/14	8/93
جمع	52/96	76/01	57/32	59/93	54/90	63/93	63/79	80/62	60/67	80/97	82/13
سایر	47/04	23/99	42/68	40/07	45/10	36/07	36/21	19/38	39/33	19/03	17/87

منبع: صندوق بین‌المللی پول (2007)

همان طور که در جدول (1) ملاحظه می‌شود، برخی از مهم‌ترین شرکای تجاری کشورهای عضو اوپک طی دوره مورد بررسی عبارتند از: آمریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، اسپانیا، هندوستان و هلند. طی دوره زمانی 1960-2005 به طور متوسط بیش از 50 درصد صادرات کشورهای عضو اوپک به کشورهای یاد شده صورت گرفته است، به گونه‌ای که این نسبت برای کشورهای مورد بررسی به شرح زیر است: ایران 52/96، عراق 76/01، کویت 57/32، عربستان 59/93، ونزوئلا 54/90، قطر 63/93، اندونزی 63/79، لیبی 80/62، امارات متحده عربی 60/67، الجزایر 80/97 و نیجریه 82/13.

برخی از مهم‌ترین شرکای تجاری کشور ایران نیز عبارتند از: آلمان، آمریکا، انگلستان، ژاپن، ایتالیا، امارات متحده عربی، چین، فرانسه، کره جنوبی، ترکیه، هندوستان و هلند. ترکیب شرکای تجاری در دوران بعد از انقلاب تغییر کرده است. البته اهمیت شرکای تجاری کشور ایران طی دوره زمانی ثابت نیست و سهم شرکای مهم تجاری کشور در دوره قبل و بعد انقلاب تغییر یافته و سهم برخی شرکای تجاری کشور (برای مثال آمریکا و امارات متحده عربی) تغییر چشمگیری

داشته است¹.**4. تصریح مدل و منابع داده‌ها**

آرورا و وام و اکادیس² (2005ب) یکی از مدل‌های پایه و اصلی این ادبیات موضوعی است³. آنها رابطه رشد اقتصادی شرکای تجاری و رشد اقتصادی داخلی را در دوره زمانی 1960-1999 با استفاده از مدل رگرسیونی زیر بررسی کردند:

$$(RealpercapitaGDPgrowth)_i = c_i + \beta X_i + u \quad (1)$$

$$i = 1, 2, \dots, n$$

که در آن نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه متغیر وابسته، c_i ماتریس اعداد ثابت برای کشور i ، β ماتریس پارامترهای تخمین زده شده، u جزء خطا و X_i ماتریس متغیرهای مستقل که شامل تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه اولیه، رشد جمعیت، نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی، سرمایه انسانی، نرخ تورم، سهم تجارت خارجی در تولید ناخالص داخلی (GDP)، میانگین وزنی رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه شرکای تجاری و نسبت تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه داخلی به تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه شرکای تجاری است.

مدل این مطالعه مبتنی بر آرورا و وام و اکادیس (2005ب) است.

$$G = \beta_0 + \beta_1 LN(GDP_0) + \beta_2 INV + \beta_3 HC + \beta_4 TPG + \beta_5 OPEN + \varepsilon_i \quad (2)$$

که در آن:

نرخ رشد GDP واقعی سرانه ($PGDPG$): از میانگین پنج ساله نرخ رشد GDP واقعی سرانه استفاده شده و منبع داده‌ها بانک جهانی (2007) است.

1- برای مطالعه بیشتر به مقاله Salmani and Fattahi (2008) مراجعه کنید.

2- Arora & Vamvakidis

3- این مدل پایه در مطالعات دیگر این حوزه مورد استفاده قرار گرفته است. برای نمونه نگاه کنید به Arora and Vamvakidis (2011).

GDP سرانه اولیه (LNGDP0): از لگاریتم طبیعی GDP واقعی سرانه در ابتدای هر دوره پنج ساله استفاده شده و منبع داده‌ها بانک جهانی (2007) است.

سرمايه گذاري فیزیکی (INV): از میانگین پنج ساله نسبت سرمايه گذاري به GDP استفاده شده و منبع داده‌ها بانک جهانی (2007) است.

درجه باز بودن تجاری (OPEN): از میانگین پنج ساله سهم صادرات به GDP¹ استفاده شده و منبع داده‌ها بانک جهانی (2007) است.

سرمايه انسانی (HC): از متوسط سال‌های تحصیل افراد بزرگسال در ابتدای هر دوره پنج ساله استفاده شده و منبع داده‌ها بارو و لی (2000) است.

رشد اقتصادی شرکای تجاری (TPG): میانگین رشد تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی شرکای تجاری با وزن (اهمیت) صادرات کشور خودی با شریک تجاری استفاده شده است. اهمیت (وزن) شرکای تجاری کشورهای عضو اوپک طی دوره زمانی مورد بررسی ثابت نیست و هم‌چنین بیش از 85 درصد صادرات طی دوره مورد بررسی، به ده شریک مهم تجاری کشورهای مورد بررسی مربوط است. بنابراین برای محاسبه TPG برای هر کشور، در هر سال ده شریک اول تجاری کشور مد نظر قرار گرفته است.² آمارهای رشد تولید ناخالص داخلی سرانه شرکای عمده تجاری از بانک جهانی (2007) و داده‌های مربوط به سهم شرکای عمده تجاری در صادرات کشورهای مورد بررسی از صندوق بین‌المللی پول (2007) استخراج شده است.³

برای برآورد از رگرسیون داده‌های تابلویی نامتوازن⁴ با دوره‌های زمانی پنج ساله استفاده شده

1- معیارهای مختلفی برای اندازه‌گیری درجه باز بودن اقتصاد وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی، نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی، نسبت مبادلات تجاری (مجموع صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی. در این مقاله از نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی به عنوان درجه باز بودن اقتصاد استفاده شده است.

2- داده‌های آماری برخی کشورها طی دوره مورد بررسی در دسترس نیست. بنابراین، این کشورها از فهرست ده شریک اول تجاری حذف و شرکای تجاری بعدی جایگزین آنها شده‌اند.

3- از Vamvakidis به خاطر ارسال داده‌های مربوط به سهم شرکای تجاری در صادرات کشورهای مورد بررسی تشکر می‌شود.

است. نمونه آماری این مطالعه، کشورهای عضو اوپک¹ است. دوره زمانی این مقاله از 1960 تا 2004 است. بنابراین نه دوره زمانی پنج ساله در نظر گرفته شده است که دوره اول به 1960 تا 1964 و دوره نهم به 2000 تا 2004 مربوط می شود. هم چنین تحلیل حساسیت نتایج برآورد مدل در دو مرحله بررسی شده است: (1) افزودن متغیرهای نرخ تورم و مخارج دولت به مدل (1) و (2) نسبت به تغییر دوره زمانی. برای مرحله اول تحلیل حساسیت نتایج از معادله (2) برای برآورد استفاده شده است:

$$G = \beta_0 + \beta_1 \ln(GDP_t) + \beta_2 INV + \beta_3 HC + \beta_4 TPG + \beta_5 OPEN + \beta_6 INF + \beta_7 GOV + \varepsilon_t \quad (3)$$

به طوری که:

نرخ تورم (INF): از میانگین پنج ساله نرخ تورم (شاخص قیمت مصرف کننده) استفاده شده و منبع آماری آن بانک جهانی (2007) است.
مخارج دولت (GOV): میانگین پنج ساله نسبت مخارج مصرفی نهایی دولت به GDP به کار برده شده و منبع آماری آن بانک جهانی (2007) است.

5. برآورد مدل

برای برآورد تاثیر رشد اقتصادی شرکای تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک از مدل (1) و روش داده های تابلویی نامتوازن² استفاده شده است. نتایج برآورد مدل (1) در جدول (2) گزارش شده است. نتایج نشان می دهد که طی دوره 1960-2004 رشد اقتصادی شرکای تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک³ تاثیر مثبت و معنی دار داشته است.

1- کشورهای عضو اوپک عبارتند از: ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، ونزوئلا، قطر، اندونزی، لیبی، امارات متحده عربی، الجزایر، نیجریه، اکوادور و آنگولا. کشورهای آنگولا و اکوادور از سال 2007 میلادی دوباره به اوپک ملحق شده اند. این مطالعه برای دوره زمانی 1960-2004 انجام گرفته است، بنابراین نمونه آماری شامل آنگولا و اکوادور نمی شود.
2- در تمام برآوردها با استفاده از آزمون اثرات گروه و آزمون هاسمن استفاده از روش داده های تابلویی (Panel Data) و روش اثرات ثابت تأیید شده است.
3- داده های آماری برخی متغیرها برای کشورهای عراق، عربستان سعودی، نیجریه و قطر وجود ندارد یا ناقص است. بنابراین در برآورد مدل تعداد کشورهای نمونه آماری کاهش می یابد.

علامت سایر ضرایب نیز مورد انتظار و معنی دار است، به طوری که طی دوره مورد بررسی GDP سرانه تاثیر منفی و سرمایه گذاری فیزیکی، سرمایه انسانی و باز بودن تجاری تاثیر مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی داشته است.

جدول (2): نتایج برآورد مدل اصلی برای گروه کشورهای عضو اوپک به روش اثرات ثابت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
عرض از مبدا	40/35	21/11	1/91	0/06
GDP_0	-4/72	1/81	-2/59	0/014
TPG	0/22	0/066	3/42	0/0019
INV	0/29	0/07	3/94	0/0005
HC	0/63	0/35	1/78	0/08
$OPEN$	0/15	0/08	1/93	0/062
متغیر وابسته: $PGDPG$ تعداد کشورها: 7 تعداد مشاهدات: 41				$= \bar{R}^2$ 0/68 $D.W=2/32$ $7/44(0/0004)=F$ آماره $50/88(0/00) = (\chi^2)$ آماره هاسمن

در گام بعدی، حساسیت نتایج برآورد مدل در دو مرحله بررسی می شود. در مرحله اول متغیرهای نرخ تورم و مخارج دولت به مدل (1) اضافه شده است. نتایج برآورد در ستون های (1) و (2) جدول (3) گزارش شده است.

نتایج به دست آمده همانند نتایج جدول (1) است. هم چنین نرخ تورم و مخارج دولت طی دوره 1960-2004 تاثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک داشته است. اگر چه ضرایب باز بودن تجاری و مخارج دولت در ستون دوم از نظر آماری معنی دار نیستند. در مرحله دوم بررسی تحلیل حساسیت نتایج، مدل برای دوره زمانی 1975-2004 برآورد شده است. نتایج برآورد در ستون (3) جدول (3) گزارش شده است. نتایج حاصله همانند نتایج پیشین است و تمام ضرایب از نظر آماری معنی دار هستند. بنابراین نتایج برآورد نسبت به افزودن متغیرهای نرخ تورم و مخارج دولتی و تغییر دوره زمانی حساس نیست و از استحکام لازم برخوردار است.

جدول (3): تحلیل حساسیت نتایج

(3)	(2)	(1)	
63/45 (2/30)**	60/53 (2/45)**	56/70 (2/66)**	عرض از مبدأ
-6/87 (-2/99)***	-5/38 (-2/93)***	-5/91 (-3/27)***	GDP_o
0/23 (3/20)***	0/22 (3/48)***	0/28 (4/21)***	TPG
1/27 (3/04)***	0/75 (2/12)**	0/59 (1/77)*	HC
0/17 (2/26)**	0/06 (0/62)	0/16 (2/06)**	$OPEN$
0/26 (3/18)***	0/24 (2/96)***	0/25 (3/28)***	INV
-	-	-0/02 (-2/05)**	INF
-	-0/11 (-1/50)	-	GOV
0/69	0/70	0/72	\bar{R}^2
7	7	6	تعداد کشورها
30	41	39	تعداد مشاهدات
7/44***	8/82***	10/05*	آماره F
27/86***	57/65***	14/59**	آماره هاسمن (χ^2)

***، ** و * به ترتیب معنی دار در سطح 99٪، 95٪ و 90٪

نتایج نشان می‌دهد که طی دوره مورد بررسی رشد اقتصادی شرکای تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک تاثیر مثبت و معنی دار داشته است. این نتیجه با نتایج آرورا و وام و اکادیس (2005) و ارلوا (2005) سازگار است. تاثیر مثبت رشد اقتصادی شرکای تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی را می‌توان چنین تفسیر کرد که افزایش رشد اقتصادی شرکای تجاری منجر به افزایش تقاضای واردات آنها، افزایش خالص صادرات کشور خودی و به تبع آن افزایش رشد اقتصادی کشور خودی می‌شود. هم‌چنین طبق رویکردهای نوین که رشد اقتصادی به وسیله فعالیت‌های R&D دنبال می‌شود، تجارت امکان دسترسی یک کشور به دانش و فناوری شرکای

تجاری کشور را فراهم می‌کند. به علاوه تجارت اجازه می‌دهد که تولیدکنندگان به بازارهای بزرگتر دسترسی یابند و توسعه R&D را از طریق نوآوری‌ها تشویق می‌کند و از این طریق باعث افزایش رشد اقتصادی کشور خودی می‌شود.

بر اساس برآورد مدل‌های (1) و (2) نتایج را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد: رابطه منفی و معنی‌داری بین GDP سرانه اولیه و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای مورد بررسی وجود دارد. رابطه منفی بین GDP اولیه و نرخ رشد اقتصادی نشان دهنده وجود همگرایی شرطی در رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی است. این نتیجه با نتایج به دست آمده از بارو و سالای مارتین (2004) سازگار می‌باشد. نتایج مثبت سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی نیز با نتایج بارو (2001) و رودریگوئز (2006) همانند است.

تأثیر مثبت سرمایه‌انسانی بر رشد اقتصادی با نتایج بارو (2001)، درک و همکاران¹ (2004) همسو است.

باز بودن تجاری نیز تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی این گروه از کشورها داشته است که این نتیجه مطابق با یافته‌های اوزیارگ و ولچ² (2003)، سلمانی و یاوری (1383) و گرجی و علیپوریان (1385) است.

نتایج نسبت به افزودن متغیرهای نرخ تورم و مخارج دولت و تغییر دوره زمانی حساس نیست. تورم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد که با نتایج مطالعات درگاهی و قدیری (1380) و دادگر و صالحی (1384) سازگار است.

تأثیر منفی مخارج دولت بر رشد اقتصادی با نتایج مطالعات بارو (1991) و سلمانی و یاوری (1383) سازگار است.

6. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، بررسی تأثیر رشد اقتصادی شرکای تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای صادر

1- Derek and et.al.

2- Wacziarg and Welch

کننده نفت عضو اوپک است. در راستای هدف تحقیق، فرضیه تحقیق بیانگر این است که رشد اقتصادی شرکای تجاری بر رشد اقتصادی این گروه از کشورها تاثیر مثبت دارد. مدل این تحقیق بر اساس روش رگرسیون داده‌های تابلویی و با استفاده از روش اثرات ثابت برای دوره زمانی 1960-2004 برآورد شده است. برای این منظور از نرم افزار Eviews6 استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که طی دوره مورد بررسی رشد اقتصادی شرکای تجاری، سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی و درجه باز بودن اقتصاد تاثیر مثبت و معنی‌دار و GDP اولیه، تورم و مخارج دولت تاثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک گذاشته است.

براساس نتایج اصلی این مقاله به کشورهای عضو اوپک (از جمله ایران) پیشنهاد می‌شود: سیاست تجاری به گونه‌ای تنظیم شود که توسعه تجارت خارجی با شرکای تجاری که از رشد اقتصادی سریع برخوردارند، برای بهره‌مندی از سرریز فنی و دانش فنی خارجی در دستور کار قرار گیرد.

گسترش صادرات به شرکای تجاری با رشد اقتصادی بالا مورد توجه صادرکنندگان و سیاست‌گذاران عرصه صادرات قرار گیرد.

طبق رویکردهای نوین که رشد اقتصادی به وسیله فعالیت‌های R&D دنبال می‌شود. تجارت، امکان دسترسی یک کشور به دانش شرکای تجاری کشور را فراهم می‌کند. افزون بر این، تجارت خارجی اجازه می‌دهد که تولیدکنندگان به بازارهای بزرگتر دست یابند. این امر توسعه تحقیق و توسعه را از طریق نوآوری تشویق می‌کند. بنابراین، برای توسعه نوآوری و تسریع رشد اقتصادی شایسته است، اتخاذ سیاست‌های آزاد سازی تجاری و توسعه صادرات همواره مورد توجه سیاست‌گذاران باشد.

بازارهای داخلی و فراوانی منابع داخلی در کشورهای مورد بررسی آنقدر گسترده نیست که مزیت نسبی و صرفه جویی‌های ناشی از مقیاس در تولید را برای آنها ایجاد کند. بنابراین این کشورها وابستگی بیشتری به تجارت خارجی پیدا می‌کنند. از این رو این کشورها از طریق اتکاء به تجارت خارجی و شرکای تجاری می‌توانند رشد و توسعه پیدا کنند.

References

- [1] Ades, A., and Glaeser, E.L. (1999), "Evidence on Growth, Increasing Returns and the Extent of the Market.", Quarterly Journal of Economics,

- Vol.114, No.3, pp. 1025- 1046.
- [2] Arora, V., and Vamvakidis, A. (2004), “**the Impact of Economic Growth on the Rest of the World: How Much Does It Matter?**” ,Journal of Economic Integration, Vol.19, pp.1-18.
- [3] Arora, V., and Vamvakidis, A. (2005b), “**How much Do Trading Partners Matter for Economic Growth?**” , IMF Staff papers, Vol.52, No.1, pp. 24-40.
- [4] Arora, V., and Vamvakidis, A. (2005c), “**the Implications of South African Economic Growth for the Rest of Africa**”, IMF Working Paper(Washington: International Monetary Fund).
- [5] Arora, V., and Vamvakidis, A. (2011) “**China’s Economic Growth: International Spillovers**” China & World Economy, Volume 19, Issue 5, PP. 31–46.
- [6] Arora, V., and Vamvakidis, A., (2005 a), “**Economic Spillovers**”, Finance and Development, Vol.42, No.3.
- [7] Babazadeh, Mohamad & et.al (2007), **Trade liberalization and economic growth in Iran**, Journal of Humanities and Social Sciences, No.26, pp.1-22 (in Persian).
- [8] Baldwin, Robert E., (2003), “**Openness and Growth: What’s the Empirical Relationship?**”, NBER Working Paper, No. 9578 (Cambridge, Massachusetts: National Bureau of Economic Research).
- [9] Barro, R. J., and Sala -i- Martin, X. (1997), “**Technological Diffusion, Convergence, and Growth**”, Journal of Economic Growth, Vol. 2, No.1, pp.1-26.
- [10] Barro, R. J., and Xavier Sala-i-Martin (2004). Economic Growth, McGraw Hill.
- [11] Barro, R. (2001), “**Human Capital and Growth**”, American Economic Review, May, Vol.91, No.2, pp.12-17.
- [12] Berument, et al., (2006), “**the Effects of Japanese Economic Performance on Indonesia**”, Applied Economics Letters, Vol. 13, No.8, pp. 499-502.
- [13] Berument, H., and Kilinc, Z., (2004), “**the Effect of Foreign Income on Economic Performance of a Small-Open Economy: Evidence from Turkey**” , Applied Economics Letters, Vol. 11, pp. 483-488.
- [14] Clemens, M., and Williamson, J., (2004), “**Why Did the Tariff-Growth Correlation Reverse After 1950?**”, Journal of Economic Growth, Vol. 9, No.1, pp. 5–46.
- [15] Coe, D., and Helpman, E. (1995), “**International R&D spillovers**”, European Economic Review, Vol. 39, No.5, pp. 859-870.
- [16] Derek H. C. Chen and Carl J. Dahlman (2004), “Knowledge and Development A Cross-Section Approach”, World Bank Policy Research Working Paper 3366.
- [17] Dollar, D. (1992), “**Outward – Orientated Developing Economies Really Do Grow More Rapidly: Evidence from 95 LDCs, 1976 – 1985**”. Economic Development and Cultural Change, Vol.48, pp.523- 544.
- [18] Edwards, S. (1992), “**Trade Orientation, Distortions and Growth in**

- Developing Countries**”, Journal of Development Economics, Vol.39, No.1, pp.31- 57.
- [19] Edwards, S. (1993) ,“**Openness, Trade Liberalization, and Growth in developing Countries**”, Journal of Economic Literature, Vol. 31, pp.1358-1393.
- [20] Edwards, S. (1998), “**Openness, Productivity and Growth: What We Really Know?**”.Economic Journal, Vol.108, pp. 383- 398.
- [21] Fischer, S. (1993) .“**the Role of Macroeconomic Factors in Growth**”. Journal of Monetary Economics, Vol. 32, No.3, pp. 485- 512.
- [22] Frankel, J. and Romer, D. (1999),“**Does Trade Causes Growth?**”. American Economic Review, Vol.89, No.3, pp.379- 399.
- [23] Gorji, Ebrahim and Alipoorian, Masumeh(2006), **Analyzing the impact of trade liberalization on economic growth in OPEC countries**, Journal of Commerce, No.40, pp.23-51 (in Persian).
- [24] Grossman, G.M., Helpman, E. (1991). Innovation and Growth in the Global Economy, Cambridge, MIT Press.
- [25] Harrison, A. (1996), “**Openness and growth: a Time Series, Cross Section Analysis for Developing Countries**”,Journal of Development Economics Vol.48, pp.419- 447.
- [26] Harrison, A., and Hanson, G. (1999).“**Who Gains from Trade Reform? Some Remaining Puzzles**”. Journal of Development Economics, Vol. 59, No.1, pp.125- 154.
- [27] International Monetary Fund(2007). Direction of Trade Statistics year book(Washington: International Monetary Fund).
- [28] Komeijani, Akbar and Shahabadi, Abolfazl(2001), **The effect of internal and external R&D activities (through trade) on total factor productivity**, Journal of Commerce, No.18, pp.29-60 (in Persian).
- [29] Krueger, A.O. (1997). “**Trade policy and Economic Development: How we learn.**”. American Economic Review, Vol.87, pp.1- 22.
- [30] Krugman, P. (1994). “**The Myth of Asia s Miracle**”.Foreign affairs, Vol.73, pp.62- 78.
- [31] Lee, J.-W., (1995). “**Capital goods import and Long Run Growth**”,Journal of Development Economics, Vol.48, No. 1, pp. 91-110.
- [32] Obiora, Kingsley(2009), **Do trading partners still matter for nigerias growth? A contribution to the debate on decoupling and spillovers**, IMF Working Paper.
- [33] Orlova, I., (2005). “Trading partners and economic growth in transition economics”.a thesis for the degree of Master of Arts in economics, *National University Kyiv-mohyla Academy*, Ukraine.
- [34] Rodriguez, F. (2006), “**Openness and Growth: What Have We Learned?**” Background Note for the United Nations’ 2006 World Economic and Social Survey.
- [35] Rodriguez, F., and Rodrik, D. (2001), “**Trade Policy and Economic growth: a Skeptic s Guide to the Cross National Evidence.**”In Bernanke, B.S. and Rogoff, K., (Eds.), NBER Macroeconomics Annual 2000. MIT

- Press, Cambridge.
- [36] Rodrik, D. (1995), "Trade policy and Industrial Policy Reform". In Behraman, J., and Srinivasan, T.N., Eds., Handbook of Development Economics, Vol. 3B. Amsterdam: North Holland.
- [37] Sachs, J., and Warner, A. (1995), "Economic Reform and the Process of Global Integration". Brookings Paper on Economic Activity, No.1, pp. 1-118.
- [38] Sala-i-Martin, X., et al. (2004), "Determinants of Long-Term Growth: A Bayesian Averaging of Classical Estimates (BACE) Approach". American Economic Review, Vol. 94, No.4, pp. 813-35.
- [39] Salmani, Behzad and Fttahi, Maryam (2008), "Impact of Trading Partners' Economic Growth on the Iran's Economic Growth", Journal of Commerce, No.46, pp. 211-231 (in Persian).
- [40] Salmani, Behzad and Yavari, Kazem (2004), "Trade Policy and Economic Growth: The Case of Petroleum Exporting Countries", journal of Commerce, No.30, pp.39-68 (in Persian).
- [41] Wacziarg, R. (2001), "Measuring the Dynamic Gains of Trade.", The World Bank Economic Review, vol.15, No.3, pp. 393- 429.
- [42] Wacziarg, Romain and Welch, Karen Horn. (2003) "Trade Liberalization and Growth: New Evidence". NBER Working Papers 10152.
- [43] World Bank (2007). World Development Indicators CD-ROM.
- [44] Yanikkaya, H. (2003), "Trade Openness and Economic Growth: A cross country Empirical investigation." Journal of Development Economic, vol.72, pp.57- 89.

Received: 8 Jun 2011

Accepted: 6 Oct 2012

